

نقدی بر محورهای دوازده گانه کنفرانس پکن با خلاصه‌ای از وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران *

تهیه و تالیف: سمیرا مهدی زاده

چکیده:

زیستگاه زمانی ما عصری است که انسان اگر چه به مدد فن آوری و تکنولوژی بر طبیعت تسلط یافته و می‌تواند در آسمانها و دریاها سیر کند، اما در چگونه زیستن بر روی زمین فرومانده است و برای چگونه اندیشیدن خود درمانده، ولی با این همه نوای امید بخش و تازه در این عصر، بوجود آمدن یک عطش ناب و نو نسبت به دریافت حقیقت و معنا و جلوه های فرا مادی جهان، بویژه در قشر عالم و روشنفکر، فراهم آمده است. بدیهی است وجود چنین نگرشهای اصیل و امید بخشی در نظامهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... اثر گذاشته و تلقی و تصور آحاد جامعه از نخبگان تا توده ها در معرض تغییر و تاثیر از آن قرار می گیرد و بی شک در این میان، موضوع مهمی همچون وضع زنان اگر چه در متن وقایع اجتماعی، سرنوشت سایر اقشار جامعه را می یابد اما به عنوان یک موضوع مستقل که هم جریان پذیر است و هم جریان ساز، می تواند در معرض تاثیرات خاص باشد. به همین دلیل نگاه جهان امروز به زنان یک نگاه معنی دار و همراه با قصد و غرض است تا جایی که می توان گفت مسئله زنان یکی از مشخصه های عصر و زمانه ای است که ما در آن زندگی می کنیم. تهیه کنندگان سند پکن که بادیلهای مبتنی بر فمینیسم و اومانیسم به فهرست بندی نگرانیهای زنان در سند پرداخته اند در ۱۲ محور نگران کننده آن را مطرح کرده اند. ما در این نوشتار ابتدا مقدمه ای از نحوه تدوین گزارش ملی و سپس نقدگونه ای بر جایگاه سند پکن مطرح کرده ایم و پس از آن به پیشرفتهای جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نظام اسلامی در موضوع زنان، اشاره شده و در آخر نیز نتیجه گیری از کل مبحث مطرح شده در سند پکن را ارائه داده ایم.

کلید واژگان: سند پکن، زنان، زنان و حقوق بشر، زنان و بهداشت، زنان و آموزش، زنان و رسانه ها

* خلاصه گزارش، برگرفته از اصل گزارش ملی شبکه است که در سایت مرکز مشارکت زنان به صورت کامل منعکس شده است و قسمتهای نقد نیز برگرفته از مقاله نقدی بر محورهای دوازده گانه سند پکن به قلم مهری سوزی می باشد.

گزارش ملی پیشرفت وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران، از زاویه نگاه سازمانهای غیر دولتی زنان؛ در شرایطی تقدیم جهانیان می شود، که تک قطبی شدن قدرتهای جهانی و رشد محافظه کاری نو؛ نقش و موقعیت زنان را با چالشها و بحرانهای تازه تری روبرو کرده است. این در حالی است که ناامنی و بحران حاصل از جهانی شدن نئولیبرالی، جنگ و نظامیگری رسانه های گروهی بر علیه کشور ایران افزایش می یابد.

نظام اقتدارگرایی تک قطبی شده، سالهاست که از طریق جنگ افروزی، ایجاد رعب نظامی و سیاسی؛ تحریم اقتصادی؛ و گمراه ساختن افکار عمومی جهان؛ تلاشی پر دامنه ای را جهت مخدوش سازی دستاوردهای جهان اسلام آغاز کرده است.

از این رو گفتگو و صدای منطقی که می تواند متضمن تحقق توسعه پایدار، اخلاق محور و صلح مبتنی بر عدالت، در جهان باشد، در هیاهوی غرش پیشرفته ترین سلاحهای جنگی خاموش شده است و ملل مظلوم بویژه مسلمانان جهان در سایه دموکراسی تحمیلی غرب، تلخ ترین ایام خود را می گذرانند. به همین جهت لازم است طرح گفتگوی تمدنها که یکی از دستاوردهای صلح طلبانه کشور جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین المللی است؛ از حوزه های جغرافیایی فراتر رفته و به سطوح و حوزه های معرفتی وارد شود.

این گزارش، نه یک گزارش صرف، بلکه گفتگو و تعاملی دوسویه با زنان جهان در حوزه های معرفتی نیز می باشد. تمرکز بر محورهای دوازده گانه بحرانی؛ موضوعهای این تعامل دوسویه را بر پایه توافق به عمل آمده در کار پایه پکن تشکیل می دهد. با این وجود نگاه عمومی سند، به دلیل آنکه منعکس کننده

توافقی‌های جهانی است در سطح حداقل باقی مانده و « در حالی که جامع است؛ مانع نیست.» « مانع نبودن » به این معناست که هنوز بسیاری ناگفته‌ها در سند فروگذارده شده است: این ناگفته‌ها، از منظر تجربیات زنان شرقی و بویژه زنان ایرانی؛ بی توجهی به شاخص‌های معنوی؛ و رویدادهای قابل محاسبه با مقیاسهای ارزشی است.

زنان جهان؛ بویژه در جوامع در حال گذار، رنجها و مرارت‌های بی شماری را که ناشی از بروز تضادهای موجود میان نقش فردی، خانوادگی و اجتماعی است متحمل می‌شوند؛ اما نتیجه این وضعیت منحصراً بی ثباتی در زندگی روزمره و روابط مادی نیست؛ بلکه تقابل موجود میان هویت‌های چندگانه از یک سو و تضادهای فرهنگی ناشی از جهانی شدن؛ از سوی دیگر حوزه‌های بحرانی جدیدی را برای زنان به وجود می‌آورد که تنها راه برون رفت از آن توجه به معنویات و دینداری است.

این گزارش به طور قوی اعلام می‌دارد که ایجاد ثبات در هویت‌های چندگانه و مواجهه با صدمات و بحرانهای ناشی از جهانی سازی اقتصادی و فرهنگی، را می‌توان با الهام‌پذیری از قانون الهی و طبیعی « وحدت در کثرت و کثرت در وحدت » تحقق بخشید.

تنوع فرهنگی، نژادی و قومی در عین حال که مشحون از کنشهای متفاوت و نیازهای بشری مبتنی بر روند اجتماعی شدن و تبلور تمدنهای گوناگون برخاسته از آن است؛ اما اصولی ثابت و یکسان دارد که بر پایه عدالت و ارزشهای اخلاقی اساسی استوار است.

این اصول ماهیتی غیر تاریخی و فراتمدنی داشته و اعتقاد جهانی انسانها به همین اصول ثابت و تزلزل‌ناپذیر است که پیوند واحد و ثابتی را میان همهٔ آحاد بشر بوجود می‌آورد.

خاستگاه سند پکن

سند پکن طی ۶ فصل و ۳۶۱ بند در چهارمین کنفرانس زن در پکن، در سال ۱۹۹۵ به تصویب رسید و به عنوان برنامه عملی کشورهای امضاکننده، ملاک و میزان پیشرفت وضعیت زنان قرار گرفت. این سند در جمهوری خلق چین با حضور نزدیک به ۱۷۰۰۰ شرکت کننده از جمله شش هزار نماینده از ۱۸۹ کشور جهان، بیش از چهار هزار نماینده سازمانهای معتبر غیر دولتی و ۴ هزار نماینده رسانه ها برگزار شد و به تصویب رسید. (پیام دبیرکل، ۹۰)

در این کنفرانس اهمیت موضوعات مرتبط با بهسازی منزلت زنان در کنفرانسهای ریو، وین، قاهره، کپنهاک مورد تاکید قرار گرفت و دبیر کل سازمان ملل در بخشی از سخنان افتتاحیه خود اعلام کرد: (پیام دبیرکل، ۱۰)

جنبش زنان در سازمان ملل، متحدی ثابت قدم دارد، این سازمان که با گنجاندن ضرورت برابری کامل زن و مرد در منشور خویش، کار خود را آغاز کرده بود تاکنون همچنان به همکاری با جنبش زنان پرداخته است تا به این هدف بنیانگذاران سازمان، جامعه عمل ببوشاند. (پیام دبیرکل، ۱۰)

در چهارمین کنفرانس جهانی زن در پکن، اعلامیه ای در ۳۸ بند، به تصویب شرکت کنندگان رسید که در آن افقها و امیدهای زنان، طی بندهای مختلفی مطرح گردید. در اعلامیه آمده است: ما دولتهای شرکت کننده در چهارمین کنفرانس جهانی درباره زنان که در اینجا - پکن - در پنجاهمین سال تأسیس سازمان ملل متحد گردآمده ایم، عزم جزم کرده ایم تا اهداف برابری، توسعه، صلح، برای عموم زنان در سراسر جهان، به سود کل بشریت، پیش ببریم. (پیام دبیر کل، ۱۵)

با تأمل در شعارها، اهداف و برنامه عمل و بویژه سخنان دبیر کل در افتتاحیه و بندهای اعلامیه پکن و موارد بسیار دیگر روشن شد که چگونه عدم اتصال به

پایه‌های غنی و قوی و فرا ذهنی بشری زمینه ساز طرح تناقضات می‌شود، اگر چه تدوینگران سند پکن، تلاش بسیار زیادی نموده اند که روح واحدی بر مواد و مفاد سند پکن حاکم باشد.

تأکید بر این مطلب که اهداف برابری، توسعه، و صلح را برای عموم زنان، در سراسر جهان به سود کل بشریت پیش می‌بریم از جمله مواردی است که در بندهای مختلفی از سند پکن نقض شده و با نگاه تک محورانه سود آور برای زنان از مصالح بشری که در اعلامیه تصریح شده نه تنها غفلت شده، بلکه مورد نقض قرار گرفته است و افزون بر آن سودی را هم که گمان رفته برای زنان به ارمغان آورد، نمی‌آورد چون عملاً مبتنی بر نگاه محدود و لوله تفنگی است که بخشی از واقعیت را می‌بیند نه همه واقعیت و این به سود جامعه زنان نیست.

بهر حال سند پکن که کار پایه عمل کشورها در موضوع زنان قرار گرفته، در عمل تبدیل به ابزار توجه و قدرتمندی برای نظام سلطه شده که با شعار «جهانی شدن» در پی «جهانگیری» بود تا به مدد چنین سندی آرام، فراگیر و موثر بتواند مرزهای فرهنگی و ملی کشورها را بدون کمترین مقاومت نادیده بگیرد. به همین دلیل می‌بینیم خانم مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده درباره سند پکن می‌گوید: اهداف کنفرانس جهانی زن (پکن) هم جهت با سیاستهای دولت آمریکا تنظیم و اجرا شده است. (روزنامه اطلاعات، ۷۴)

سند پکن ظرفیت جدیدی را در جامعه جهانی برای فمینیستها به وجود آورده است، بویژه آنکه عقبه این حرکت بین المللی، یک سری تحرکات بین المللی در جهان بوده که مواردی از آن بدو جنبش زنان به شرح ذیل است.

اولین مجمع بین المللی زنان در جهان در سال ۱۸۸۸ میلادی در واشنگتن با حضور ۶۶ زن آمریکایی و ۸ زن اروپایی برگزار شد.

دومین مجمع بین المللی زنان، یکسال بعد از مجمع اول، با حضور پنج هزار زن برگزار شد. از این تاریخ به بعد، پرچمداران جنبش زنان برای زن محروم و تحقیر شده غربی دستاوردهایی داشت نظیر دست یافتن زنان به حق رای در انگلستان در سال ۱۹۱۸ میلادی، دست یافتن زنان به حق رای در آمریکا در آگوست ۱۹۲۰ میلادی. اما از این تاریخ تا دهه شصت دوران رکودی جنبش زنان در غرب دچار رکود شد. تا آنکه دوباره در سال ۱۹۷۶ اعلامیه حقوق رفع تبعیض زنان در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب می رسید و در نهایت، روز هشتم مارس ۱۹۷۰ میلادی روز بین المللی زن نامیده شد و به تصویب رسید. در سال ۱۹۷۹ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض، شامل یک مقدمه و سی ماده در هجدهم دسامبر همان سال تصویب می شد. از این تاریخ به بعد است که کنفرانسهای جهانی کپنهاک، نایروبی، پکن و نیویورک برگزار شده است.

سند پکن ابزار موجهی به دست نظام سلطه و تک قطبی بین المللی داده تا با دمکراتیک کردن استبداد نرمی که جزء جدا نشدنی نظم نوین جهانی است، فریب را هر چقدر که ممکن است، خردمندانه تر و مداوم تر جاری کنند.

سند پکن کار پایه عمل ۱۸۹ کشور جهان است که باید توجه به تأکید مکرری که در متن سند پکن نسبت به رفتار «فعال و نمایان» در حوزه زنان شده است منجر شود. کار پایه عمل سند پکن، محصول افکار فمینیستی است و تفکر فمینیستی خود، حاصل یک نگاه اومانستی در حوزه زنان است.

کثرت یا تنوع فرهنگی، نیازمند نوعی استقلال هویت نیز می باشد که ضمن تعامل با کثرتهای موجود تعریف مستقلی از هویت خویشتن خود، داشته باشد. در این صورت است که شعار «جهانی فکر کن، محلی عمل کن» محقق می شود.

این گزارش تأکید می‌کند که تجربه زنان ایرانی در دهه های اخیر شاهد خوبی بر رعایت اصل « وحدت در عین کثرت » است. در طول این چند دهه؛ زنان ایران با مشارکت جدی خود در انقلاب اسلامی سال ۵۷، تقریباً تمام معادلات ژئوپلیتیک منطقه، بویژه جهان اسلام را دستخوش تغییر و کنشهای جدیدی در ایجاد تعادل میان نقشهای چندگانه فردی، اجتماعی و فرهنگی ایفا کرده اند. نیز خروج قهرمانانه زنان ایرانی از « تجربه جنگ تحمیلی هشت ساله »^۱ فراز تاریخی دیگری بود که هویت زن ایرانی را مستحکم تر کرد. در تمام این فرازها زنان ایرانی ثابت کردند که می‌توانند دینداری را وارد عرصه های حیات اجتماعی کرده و وحدت‌گرایی معنوی را نه تنها هسته مرکزی کنشهای متکثر خود سازند؛ بلکه در زندگی روزانه خود از آثار آن استفاده نموده و کنشهای جدیدی را بیافرینند که ته نشست آن در اصلاح قوانین، و نقشهای سیاسی؛ اقتصادی و اجتماعی بخوبی قابل مشاهده است.

گزارش ملی

ارایه گزارش ملی که به بهانه گذشت ده سال پس از کنفرانس پکن صورت می‌پذیرد؛ نشان دهنده دستاوردها، اقدامات دولت و سازمانهای غیر دولتی، چالشها و موانع آنان در طول سالهایی است که شرایط بحرانی، به نحوی که شرح آن گذشت، بر منطقه سایه افکنده است.

وجود این شرایط بحرانی مسلماً دستاوردهای زنان منطقه را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اما ضمن آن نیز؛ موجب آبدیدگی و زنده ماندن جریان کنشهای

۱- این جنگ توسط صدام و با سرکردگی و حمایت دولت آمریکا در مرزهای جنوبی و غربی ایران به مدت ۸ سال ادامه یافته و منجر به شهادت و جانبازی حدود پانصد هزار ایرانی شد که موجب شهادت حدود شش هزار زن شد.

اجتماعی و پیدایش ابتکارات و خلاقیت‌های ویژه ای شده و خون تازه ای در رگهای جامعه جهانی زنان جاری خواهد کرد.

در این گزارش که با مشارکت کلیه اعضای شبکه، کارشناسان و فعالان جامعه زنان تهیه شده است، بخشهای موزائیکی متنوعی وجود دارد که نوعی رابطه منطقی آنان را به هم نزدیک می سازد. این بخشها شامل: ارزشهای ناظر بر موضوع، مقدمه (شامل پیش زمینه، قانون اساسی، چشم انداز بیست ساله، منشور زنان)، وضع موجود و دستاوردها، اقدامات دولت، اقدامات سازمانهای غیر دولتی، فعالیت شبکه، برنامه توسعه چهارم، موانع و چالشها، توصیه به دولت، توصیه به سازمانهای غیر دولتی و جمع بندی است.

تشریح هریک از بخشها

ارزشهای ناظر بر موضوع: یکی از مهم‌ترین عناصر در برنامه های توسعه‌ای تعریف ارزشهایی است که چشم انداز نهایی از آن منبث شده و روح کلی برنامه بر پایه آن است.

اختصاص اولین بخش گزارش با عنوان ارزشها، با همین رویکرد انتخاب شده است. با توجه به اینکه جامعه ایرانی، جامعه متدین و نظام حاکم بر آن برپایه حکومت اسلامی و رهبری ولایت فقیه، استوار است، ارزشهای ناظر بر کلیه اقدامات و برنامه ها نیز برخاسته از کلام خدا (قرآن کریم)، سنت و رویه معصومین (ع) است.

تیین ارزشها از این روست که می توان از طریق آنان فاصله وضعیت موجود نسبت به وضعیت مطلوب را محاسبه کرد.

مقدمه گزارش به طور خلاصه نشان دهنده بستر تحولات، چه از نظر تاریخی و چه از نظر قانونی است. به همین علت نیز در بخش پیش زمینه به بستر تاریخی و پیشینه فرهنگی اشاره شده است. قانون اساسی نشان دهنده عزم عمومی رهبران کشور در تحقق موضوع بوده و چشم انداز بیست ساله که از طرف رهبر معظم انقلاب تدوین و تعیین گشته است، نشان دهنده، قله، پیش رو و مقصد نهایی برنامه های توسعه در هریک از موضوعات است. منشور حقوق زنان نشان دهنده خطوط کلی و ترسیم کننده الگوی پیشرفت وضعیت زنان در تمامی عرصه‌هاست.

وضع موجود و دستاوردها

این بخش مشروح‌ترین بخش گزارش بوده و حاصل تحقیقات گسترده مشترک گروه محققین و مؤلفین گزارش است. این بخش به خروجیهای اقدامات دولتی و سازمان های غیر دولتی اختصاص داشته و از طریق آمار یا فعالیت‌های انجام شده (کمی و کیفی) تشریح شده است.

اقدامات دولت

این بخش گزارش خلاصه شده اقدامات گسترده ای است که از بخشهای مختلف دولتی استعلام گردیده یا از طریق سرکشی و مصاحبه با مسئولان دولتی به دست آمده است. شایان ذکر است که بعضی از این اقدامات بر اساس برنامه‌های توسعه ای کشور به عمل آمده است؛ اما از طرف گروه تحقیق به تفکیک محورهای دوازده گانه دسته بندی شده است.

اقدامات سازمانهای غیر دولتی: این بخش حاصل تحلیل پرسشنامه های توزیع شده به کلیه سازمانهای غیر دولتی فعال در حوزه زنان از سراسر کشور بوده است. سازمانهای غیر دولتی ای که در دیگر موضوعات فعالیت می کنند و نیز سازمان های غیر فعال زنان، جزو گروه هدف این پرسشها نبوده اند.

برنامه چهارم توسعه

هر پنج سال یک بار، دولت موظف به تدوین برنامه چهار ساله است. که در این گزارش متناسب با هریک از محورها تفکیک و عرضه شده است.

موانع و چالشها

شامل مشکلاتی است که غم اقدامات گسترده توسعه ایی، همچنان پیش رو بوده و توصیه های موجود بر اساس آن استخراج شده است.

توصیه به دولت وسازمانهای غیر دولتی

این توصیه ها براساس مطالعاتی که با توجه به اهداف استراتژیک کار پایه پکن، فاصله موجود بین دستاوردها و اقدامات دولت و غیر دولتی ها، نیز فاصله موجود با وضعیت مطلوب (چشم انداز و قانون اساسی) و برنامه ریزی توسعه چهارم استخراج شده است.

جمع بندی

تشریح مختصرو خلاصه شده فاصله بین دستاوردها و اقدامات بر اساس اقدامات طرح شده در کار پایه پکن است.

بررسی دوازده محور سند با توجه به وضعیت پیشرفت زنان در ج.ا.ا.

۱- زنان و فقر

در جمهوری اسلامی ایران از همان آغاز پیروزی انقلاب، لزوم دستگیری از نیازمندان و فقیران مورد توجه قرار گرفت و نهادهای متعددی از جمله کمیته امداد امام خمینی، بنیاد مسکن، بنیاد ۱۵ خرداد و صدها صندوق قرض الحسنه در

حمایت از فقرا و با تأکید بر حفظ عزت و کرامت خانواده‌ها تشکیل شده و راهبرد فقر زدایی مبتنی بر توانمند سازی و ایجاد مهارت و حرفه آموزی در بین زنان، تعیین گردیده است.

اشتغال رسمی زنان، یکی از عواملی است که می تواند باعث کاهش فقر شود. بر اساس آمارسال ۱۳۸۳، ۳۸ درصد جمعیت کشور فعال بوده‌اند که این جمعیت در بین زنان با حدود ۱۲ درصد؛ یک سوم مردان بوده است.

همچنین در این سال حدود ۹۰ درصد از جمعیت کشور شاغل بوده‌اند، که این نسبت در بین زنان ۸۳ درصد است. میزان بیکاری زنان با حدود ۱۷ درصد حدود دو برابر میزان بیکاری مردان بوده است. این شاخصها که حتی تفاوت در فعالیت و اشتغال مردان و زنان را نشان می‌دهد؛ می‌تواند تا حدودی وضعیت زنان را از نظر فقر بنمایاند.

بیش از یک سوم زنان شاغل و ۶۲ درصد از زنان شاغل روستایی مزد دریافت نمی‌کنند و برای دیگر اعضای خانوار خود، کار می‌کنند. عدم دریافت مزد به این معنی است که اکثر این افراد بیمه نیستند و در آینده هم حقوق بازنشستگی دریافت نمی‌کنند. این عوامل باعث می‌شود زنان مخصوصاً در زمان سالمندی و در صورتی که نان آور خانواده را از دست بدهند و مستمری دریافت نکنند؛ دچار مسائل و معضلات اقتصادی شوند. گرچه اجرای طرح شهید رجایی از طرف کمیته امداد خمینی (ره) حمایت مالی از کهنسالان روستایی را به عهده دارد.

در سال ۱۳۸۱ بیش از ۵۰ درصد از خانوارهای دارای کمترین هزینه (۱۰ درصد پایین جامعه) فرد شاغل در خانوار ندارند. در همان سال، بیش از ۷۰ درصد از

خانوارها دارای سرپرست شاغل بوده است که این نسبت در خانوارهای دارای کمترین هزینه حدود ۴۰ درصد بوده است.

سیاستهای مبارزه با فقر در برنامه سوم توسعه، یکی از راهبردهای اصلی برنامه ریزی اقتصادی بوده است، هر چند که سیاستهای ناهماهنگ اقتصادی، افزایش جمعیت جوان، سیستم بانکداری در بخش خصوصی با بهره‌های کلان و سوء مدیریت برخی از مسئولان دولتی و دوری از ارزشهای اولیه انقلاب که بر ساده زیستی مبتنی است؛ مانع از کنترل بهینه فقر بویژه در بین زنان و کودکان گردیده است.

تأکید بر اهمیت فقر زدایی در برنامه چهارم توسعه و اختصاص اعتبارات گسترده به این امر هر چند که افق روشنی را در این زمینه ترسیم می‌کند؛ اما لازم است که احیای ارزشهای دیرینه، پرهیز از تجمل‌گرایی، تغییر الگوی مصرف و یاری جستن از سازمانهای غیر دولتی در اجرای این برنامه‌ها نیز جزو سیاستهای اصلی قرار گیرد.

۲- زنان و آموزش و پرورش

مجموعه اقدامات دولت در زمینه همگانی ساختن آموزش و پرورش و زمینه مساعد اجتماعی، دینی و ریشه دار بودن و التزام به تعلیم و تربیت در سنن و آداب رسوم ایرانی، موجب شده است که پدیده بیسوادی در ایران، چه در میان پسران و چه دختران تقریباً ریشه کن شود. همچنین ترغیب میانسالان و سالمندان به سوادآموزی از طریق ایجاد مراکز ویژه، افق مطلوبی را در این زمینه ترسیم می‌کند.

اقدامات انجام گرفته نشان می‌دهد که میزان باسوادی در سال ۱۳۶۵، ۶۲ درصد بوده و در مقطع کنونی به حدود ۸۵ درصد برسد و میزان باسوادی زنان روستایی که در سال ۱۳۳۵ فقط یک درصد بوده، در سال ۱۳۸۳ به بالای ۷۰ درصد برسد. اقدامات انجام گرفته نشان می‌دهد پیشرفت زنان در زمینه آموزش و تحصیلات بیشتر از مردان است؛ به طوری که در سال ۱۳۶۵ کمتر از ۳۰ درصد از پذیرفته‌شدگان دانشگاه دختر بودند - در حالی که در مقطع کنونی تعداد دختران وارد شده به دانشگاه و دانشجویان دختر بیش از پسران شده است.

مع الوصف حدود ۳۴ درصد از فارغ التحصیلان دانشگاهها در سال ۷۵ و ۷۶ دختران بوده‌اند که در سال ۸۲ و ۸۳ این رقم به حدود ۴۷ درصد رسیده است و این تعداد در سال ۸۴ و ۸۵ به ۶۲ درصد افزایش یافته است. نسبت کارکنان آموزشی زن که هم اکنون کمتر از ۲۰ درصد است، در آینده با توجه به این روند بیشتر می‌شود.

در گذشته گرایش دختران به رشته‌های فنی مهندسی، کشاورزی، عمران، مکانیک کمتر بوده است، در حالی که در حال حاضر گرایش دختران به سمت این رشته‌ها در حال فزونی است. در حال حاضر گرایش دختران به رشته‌های پزشکی و هنر بیشتر از پسران است. وضعیت سواد و آموزش و پرورش نشان می‌دهد سطح تعلیم و تربیت زنان در ایران بالاتر از انتظارات مندرج در کار پایه پکن و سند چشم انداز MDG است.

۳- زنان و بهداشت عمومی

میزان مرگ و میر اطفال علاوه بر آن که یک شاخص بهداشتی است، شاخص توسعه یافتگی نیز محسوب می‌شود. میزان مرگ و میر اطفال در کشورهای در

حال توسعه حدود ۵۰ در هزار است در حالی که این شاخص در جمهوری اسلامی ایران ۳۲ در هزار و در کشورهای توسعه یافته کمتر از ۱۰ در هزار است. میزان مرگ و میر اطفال کشور برای دختران در سال ۱۳۶۵ حدود ۷۵ در هزار بوده که در سال ۱۳۸۰ طی ۱۵ سال به کمتر از نصف یعنی حدود ۳۰ در هزار رسیده است.

قابل ذکر است اکثر شاخصهای بهداشتی و پزشکی کشور برای زنان در مقایسه با مردان از وضعیت بهتری برخوردار است و در سالهای اخیر این تفاوت بیشتر شده است. به عنوان مثال امید به زندگی، که یکی دیگر از شاخصهای توسعه یافتگی است؛ در سال ۱۳۶۵ حدود یک سال در زنان بیشتر از مردان بوده است که در سال ۱۳۸۰ این تفاوت به ۳ سال رسیده است. (در سال ۱۳۸۰ امید به زندگی زنان ۷۰/۴ و امید به زندگی مردان ۶۷/۶ سال بوده است).

در حال حاضر شاخصهای رشد بهداشت و سلامت زنان و کودکان کشور از شاخصهای کار پایه پکن به مراتب پیشرفت بیشتری را نشان می دهد. ترویج و تشویق تغذیه با شیر مادر از سوی مراکز دولتی و خصوصی موجب شده تا تغذیه نوزاد تا یک سالگی با شیر مادر به حدود ۸۰ درصد برسد که این آمار بیش از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است.

همچنین در جمهوری اسلامی ایران نه تنها سقط جنین به عنوان یک روش تنظیم خانواده پذیرفته نشده، بلکه پرهیز از سقط جنین مگر در صورت ضرورت؛ موجب حفظ حیات جنین بی گناه شده است.

تعداد مراکز بهداشتی و درمانی در سال ۱۳۸۲ با ۷۳۴۵ واحد نسبت به سال ۱۳۶۵ حدود ۲ برابر شده و فعالیتهای مراکز بهداشتی خدمات دهنده به زنان نشان دهنده بیشتر بودن خدمات بهداشتی به آنان در مقایسه با مردان است.

میزان مرگ و میر مادران که فوت آنها بر اثر حوادث زایمان در ۱۰۰ هزار تولد نشان دهنده است؛ در ایران کاهش قابل توجهی داشته است به طوری که از حدود ۱۵۰ در ۱۰۰ هزار تولد زنده به حدود ۴۰ در ۱۰۰ هزار تولد در سالهای اخیر رسیده است. نیز پدیده کم خونی طی ۶ سال ۷۰ درصد کاهش پیدا کرده است. کم خونی در زنان باردار قابل توجه است که علیرغم برنامه آهن یاری از طریق شبکه های بهداشتی درمانی باموفقیت زیادی همراه نبوده است. در مناطق شهری حدود ۱۰۰ درصد خانوارها دارای آب لوله کشی هستند. و در نقاط محروم نیز آمار؛ افزایش درصد دسترسی به آب سالم را نشان می‌دهد.

علی‌رغم این پیشرفتها، چالشهایی هم، در وضعیت بهداشتی کشور دیده می‌شود که این وضعیت متأثر از فقر و برخی از تبعیضا و کمبود آموزش بهداشتی است. فقر که در برخی از مناطق جنوبی و غرب کشور بیشتر است، روی تغذیه تأثیر می‌گذارد و ممکن است باعث مخاطره‌آمیز شدن وضع سلامت جمعیت شود. مع الوصف با توجه به همگانی شدن روز افزون بهداشت و رشد جمعیت زنان تحصیل کرده و جوان که مادران آینده خواهند بود؛ در سالهای آتی به نحو بارزی شاهد پیشرفت در زمینه بهداشت و سلامت زنان خواهیم بود.

۴- خشونت علیه زنان

در یک نگاه کلی، دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به پدیده خشونت علیه زنان واکنش نشان داده است و در طول چند سال گذشته اتفاقاتی برای از بین بردن خشونت علیه زنان، رخ داده است. از آن جمله می‌توان به تشکیل کمیته ملی محو خشونت علیه زنان در مرکز امور مشارکت زنان با حضور نمایندگان از تمامی دستگاه‌های درگیر با موضوع و بویژه نمایندگان از تشکلهای غیر دولتی و

دانشگاه‌ها اشاره کرد. اقدامات همه جانبه دولت درباره اصلاحات قانونی به نحوی که متضمن حمایت از زنان و دختر بچه‌های در معرض خشونت باشد و نیز ایجاد مراکز حمایتی و توانمند سازی نظیر ایجاد مراکز بحران، خانه‌های سلامت و خانه‌های امن قابل تقدیر است.

با این همه خشونت به عنوان یک پدیده شهری همچنان پنهان است، از سوی دیگر واکنش‌های زنان خشونت دیده، در برابر دفاع از خود، غالباً منفعلانه است. چنانچه از طریق دستگاه‌های هنجار ساز، نظیر وسایل ارتباط جمعی، به جامعه آموزشها و مشاوره‌های بیشتری داده شود و روشهای کاهش و مقابله با خشونت در میان مردم فرهنگی شود؛ رخداد خشونت کاهش خواهد یافت.

از سوی دیگر به دلیل پنهان بودن انواع خشونت‌های خانگی، خیابانی و شغلی رهبران سیاسی و مذهبی با بکارگیری ظرفیتهای غنی اخلاقی و اعتقادی در فرهنگ و باورهای مردم، موثرترین نقش را در حذف خشونت از صحنه‌های اجتماعی ایفا می‌کنند.

۵- زنان و مناقشات مسلحانه

در حالی که جمهوری اسلامی ایران در سالهای اخیر به اشکال مختلف دچار بحرانها و مناقشات مسلحانه بوده و علاوه بر تجربه ۸ ساله جنگ و همجوار بودن با دو کشور درگیر در جنگ، در مسیر خط ترانزیت قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسانها از بین کشورهای همسایه قرار دارد، با این وجود، همواره تلاش داشته است تا زنان و کودکان کم‌ترین آسیب دیدگان این مناقشات و درگیریها باشند. با وجود صدمات فراوانی که ملت ایران در دوران جنگ تحمیلی صدام علیه ایران متحمل شده است؛ دوران سازندگی پربراری را پشت سر گذاشته است. سهم

عمده منابع مالی ایران پس از اتمام جنگ، متوجه بازسازی مناطق تخریب شده، بدون استفاده از کمکهای بیگانگان بوده است. این در حالی است که از همان سالها تاکنون ایران میزبانی صدها هزار پناهنده افغانی را نیز به عنوان ادای یک وظیفه انسانی عهده دار بوده و در دو سال اخیر، پناهندگان عراقی نیز به آن اضافه شده است.

یکی از نقاط ضعف جمهوری اسلامی در این زمینه آن است که علی‌غم ظرفیتهای گسترده ایران در تحمل جنگ، میزبانی از پناهندگان و مبارزه با قاچاق مواد مخدر، همواره از تبلیغات گسترده و ترویج دستاوردهای خود اجتناب کرده است. بارزترین موفقیت ایران در حوزه بهداشت، یعنی کنترل جمعیت و بهداشت باروری همزمان با دوران جنگ و بدون کاهش بودجه‌های بهداشتی صورت گرفته است. این بدان معناست که امر توسعه، پیوسته مد نظر بوده و حتی تحت تاثیر شرایط جنگی واقع نشده است.

از آنجا که بسیاری از اقدامات حکومت و نیروهای مسلح؛ در زمینه حفاظت از زنان در مناقشات مسلحانه، جنبه اخلاقی، آموزشی، بهداشتی، روانی و نظامی دارد؛ نمی‌توان از موفقیت‌های به دست آمده آمار دقیقی ارائه داد. اما برنامه‌ها و اقدامات دولت در زمینه حمایت ویژه از خانواده‌های ایثارگران و نیز تعداد زنان پناهنده و نحوه رسیدگی به مسائل خاص آنان؛ نشان دهنده موفقیت جدی در کاهش عوارض و آسیب‌های ناشی از مناقشات مسلحانه بر زنان و کودکان است.

۶- زنان و اقتصاد

زنان ایران، حدود نیمی از جمعیت کشور را شامل می‌شوند؛ اما مشارکت آنها در زمینه مزد گرفتن رسمی فقط ۱۰ تا ۱۲ درصد است؛ به بیان دیگر حدود ۹۰

درصد از جمعیت زنان کشور نیز از نظر اقتصادی فعال هستند، اگر چه خانه دار، کشاورز و محصل، غیر فعال محسوب می شوند.

تقسیم وظایف زن و مرد در امور منزل و بیرون از منزل، با افزایش مشکلات اقتصادی، هر چند در حال رنگ باختن است، اما هنوز این تقسیم وظایف، در مناطق سستی تر وجود دارد و باعث شده میزان فعالیت زنان، حدود یک ششم میزان فعالیت مردان و میزان بیکاری آنها دو برابر میزان بیکاری مردان باشد.

میزان بیکاری کشور هم اینک بیش از ده درصد است. بالا بودن میزان بیکاری باعث می شود که مردان برای تشکیل زندگی؛ فعالیت بیشتری برای بدست آوردن شغل داشته باشند. خیلی از کارفرمایان هم ترجیح می دهند در استخدام از زنان استفاده نکنند؛ زیرا مردان از امکاناتی مانند مرخصی زایمان، که به صورت قانونی زنان از آن برخوردارند، محروم اند. از طرف دیگر زنان در هنگام ازدواج و بچه داری و در بحرانهای اقتصادی زودتر از بازار کار خارج می شوند. این در صورتی است که حمایتهای قانونی از زنان برای کار وجود دارد و هرکسی اعم از زن و مرد حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. البته انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور برای زنان کارگر، ممنوع شده است.

نکته دیگر آن که اکثر زنان برای دیگر اعضای خانوار در بخشهای عمومی و خدماتی مانند آموزشی و بهداشتی فعالیت می نمایند و در بخشهای مدیریتی و کارفرمایی کمتر هستند، زیرا زنان سعی می کنند مشاغلی را برگزینند که در کنار امور خانواده و تربیت فرزندان باشد و تمام وقت آنان را نگیرد. در سال ۱۳۸۳، ۱/۸ درصد زنان در مقابل ۶/۷ درصد از مردان کارفرما بوده اند و حداقل به یک نفر مزد و حقوق پرداخت می کرده اند. همچنین در این سال ۳۱ درصد از زنان

در مقابل ۲۳ درصد از مردان در بخش عمومی و تعاونی فعالیت می‌کردند. حدود ۳۴ درصد از زنان شاغل برای دیگر اعضای خانوار با دریافت مزد کار می‌کرده‌اند. این نسبت در مقایسه با سالهای پیش بیشتر شده است. برای مردان فقط ۴ درصد است. البته در مقابل زنانی وجود دارند که با داشتن فعالیت اقتصادی، به طور عمده در بخش کشاورزی و دامداری، به عنوان خانه دار محسوب شده‌اند؛ اگر چه در اقتصاد کشور نقش مهمی را بازی می‌کنند.

به طور کلی می‌توان گفت پایین بودن میزان اشتغال رسمی زنان باعث می‌شود قدرت آنان در مشارکتهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی تحت تاثیر قرار گیرد. با بالا رفتن سطح تحصیلات زنان، در سال‌های اخیر، امید می‌رود در آینده نقش و جایگاه زنان از نظر کمی و کیفی در مشارکتهای جامعه افزایش یابد و با قرار گرفتن زنان در قدرت و تصمیم‌گیری ضمن ارتقای جایگاه خود نقش بیشتری در توسعه کشور داشته باشند.

۷- زنان قدرت و تصمیم‌گیری

زنان کشور در دههٔ اخیر پستهای حساسی را از قبیل معاون رئیس‌جمهور، معاون وزیر، معاون استاندار، فرماندار، نمایندهٔ مجلس، شورای شهر در اختیار داشته‌اند. اما علی‌رغم این موفقیتها هنوز قدرت زنان در تصمیم‌گیری و مسئولیتها نه تنها به اندازهٔ سهم واقعی آنان که نیمی از جمعیت کشور را شامل می‌شوند، نیست، بلکه با سهم واقعی خود فاصله دارند.

این در حالی است که ارتقای تحصیلات دانشگاهی زنان و سبقت روز افزون آنان از مردان، در حوزه‌های تحصیلی موجب مشارکت بیشتر زنان در تصمیم‌گیریهایی که وابسته به ابراز شایستگیهای فردی است؛ شده است. از سوی دیگر

اقدامات دولت در زمینه مشارکت زنان در سطوح تصمیم گیری هنوز با چشم انداز بیست ساله و برنامه چهارم توسعه، فاصله دارد.

بنابراین ارتقای سهم زنان در تصمیم گیری و قدرت، علاوه بر اصلاح ساز و کارهای دولتی از طریق برنامه توسعه چهارم و منشور حقوق و مسئولیتهای زنان؛ نیازمند یک عزم فرهنگی در جهت کاهش موانع عرفی مبتنی بر اقتدارگرایی مردانه است. مع الوصف، رشد سهم زنان در این زمینه، بویژه در دهه اخیر نسبت به سنوات قبل، پیشرفتهای ملی را براساس شاخصهای مندرج در کار پایه پکن نشان می دهد.

۸- سازوکارهای نهادین برای پیشرفت زنان

در طول چهارده سال گذشته زنان توانستند در عرصه های مدیریت ارشد نظام وارد شوند و بتدریج با ایجاد سازو کارهای نهادین به جاری سازی موضوع عدالت جنسیتی بپردازند.

وجود دو سازو کار مهم: شورای فرهنگی، اجتماعی زنان و مرکز امور مشارکت زنان باعث شد که تحولات بسیاری به نفع زنان کشور به وجود آید.

شاخصهای مهمی که برای بررسی سازو کارهای نهادین در کشور وجود دارد نشانگر پیشرفتی است که در این زمینه صورت گرفته است. در حال حاضر نظام ملی برای پیشرفت زنان در کشور شکل گرفته است و هر دو سازوکار تلاشهای بسیاری برای بهبود وضعیت زنان انجام داده اند. شورای فرهنگی اجتماعی زنان، در آخرین تلاش خود منشور حقوق و مسئولیتهای زنان در جمهوری اسلامی ایران را تدوین کرد و مرکز امور مشارکت زنان نیز نظام جامع مشارکت زنان و

نیز نظام جامع حقوقی زنان را شکل داد و در عین حال در روند برنامه ریزی کشور، از طریق اثرگذاری بر تدوین برنامه سوم و چهارم توسعه کشور وارد گردید. در عین حال، در طول چهارده سال گذشته نقاط کانونی جنسیت در مناطق مختلف کشور شکل گرفت. استانداریها در همه استانها اینک دارای یک مشاوره در امور زنان هستند. الویتهای امور زنان از محل اعتبار ۳۰۲۲۸ برای مشارکت اجتماعی و فرهنگی زنان از پیش تعیین شده به نظر می‌آید این امر در تمرکز و جهت دادن اعتبارات به سمت و سوی خاص به نفع زنان موثر بوده است. علاوه بر این در وزارتخانه‌های مختلف، وجود دفاتر مختلف زنان تحولاتی را در زمینه مشارکت زنان بویژه در حوزه کشاورزی و اقتصاد به وجود آورد. یک نگاه کلی در زمینه‌های لازم برای جاری ساختن جنسیتی عدالت در کشور (gender mainstreaming) بوجود آمده است.

با این همه، هنوز نیازی به وجود یک ساختار یکپارچه و قدرتمن تر و برای تحقق عدالت جنسیتی به صورت یک دستگاه ملی مقتدر در کشور، احساس می‌شود، سازوکاری که دارای اختیارات کافی برای هماهنگی امور زنان در سه قوه کشور باشد. چنین سازوکاری به منابع کافی و صلاحیت لازم برای اثرگذاری بر خط مشی‌ها نیاز دارد. در عین حال نقش سازمانهای غیر دولتی زنان را نباید فراموش کرد. این سازمانها باید متوجه نقش نظارتی و نامتمرکز خود باشند و در عین حال دولت نیز باید روند فعالیت آنها را بیشتر تسهیل کند.

۱۰- حقوق بشر زنان

در طول سالیان حاکمیت جمهوری اسلامی، جامعه ایرانی براساس تحقق قانون اساسی و برنامه‌های توسعه بستر تحولات بسیاری در حوزه حقوق بشر و بویژه

حقوق بشر زنان بوده است، تحولاتی که تاثیراتی را بر عرصه های مختلف زندگی شهروندان این کشور داشته است. ترویج نگاه حق مدارانه در عرصه های مختلف، بویژه در روند توسعه کشور قابل تأمل است، لحاظ نگرشهای انسان محور در برنامه ریزیهای توسعه بتدریج خود را در عرصه‌هایی نظیر آموزش و پرورش، سلامت، رفاه، تغذیه، مسکن و اشتغال نشان می دهد.

تأکید بر این مفهوم که توسعه همه جانبه و پایدار انسانی پیوند ناگسستنی با تحقق همه اشکال حقوق انسانها دارد و اینکه یک اصل ضروری برای تضمین آینده بهتر برای همه ایرانیان و بویژه زنان کشورمان است.

اما در کنار این روند، در عرصه سیاست خارجی، بر اساس ادعاهای دروغین برخی دول اروپایی و آمریکا؛ دولت ایران، از جو سازی های فریبکارانه به وجود آمده در قبال استانداردهای بین المللی حقوق بشر، به یک فضای گفتگویی متشنج وارد شد.

در سال ۱۳۸۱ ایران از دستور کار کمیسیون حقوق بشر ملل متحد خارج شد. ایران حوادث پدید آمده در منطقه و روند گفتگو با اتحادیه اروپا در طول سه سال گذشته را جهت داده و افقهای تازه ای را از بررسی عمیق تر این استانداردها در کشور گشوده است. از هفت ابزار اصلی حقوق بشر، ایران عضو چهار کنوانسیون می باشد و این در حالی است که در طول چند سال گذشته، بحث پیوستن ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون ضد شکنجه از مباحث جدی محافل قانون گذاری و حقوقی کشور بوده است.

۱۱- زنان و رسانه ها

افزایش حساسیت رسانه‌ها به انعکاس موضوعات مبتلا به زنان و ارتقای تصاعدی میزان اشتغال زنان در رسانه‌ها؛ تولید روزافزون برنامه‌های ویژه زنان در

رسانه‌های گروهی بویژه در رادیو و تلویزیون و انتشار مطبوعات، خبرگزاریها، کتابهای تالیفی، سایتها و بلاگها از طرف زنان؛ نشان دهنده رشد کلی حضور زنان در عرصه رسانه چه به عنوان تولیدکنندگان و چه به عنوان استفاده‌کنندگان است. منع قانونی، اخلاقی و دینی پورنوگرافی در ایران و جلوگیری از سوء استفاده از زنان و کودکان در این زمینه یکی از مثبت‌ترین ویژگیهای رسانه‌های ایران است اما هنوز وجود ستهای غلط و ریشه دار بودن آن در باور تولیدکنندگان برنامه‌های رسانه‌ای یکی از عوامل مهم آرایه تصاویر کلیشه‌ای است.

نوپا بودن حضور زنان در عرصه‌های حرفه‌ای رسانه‌ای، اتکای منابع مالی رسانه‌ای مکتوب به بخش خصوصی، فقدان حمایت‌های مالی لازم از نشریات تخصصی و مستقل زنان، موجبات اختلال روند رو به تزاید حضور زنان در عرصه‌های رسانه‌ای را فراهم آورده است. اما رشد اشتغال زنان در مطبوعات از سایر مشاغل افزون‌تر بوده است، در حالی که به طور متوسط درصد اشتغال زنان ۱۴ درصد رشد داشته است، اشتغال زنان روزنامه‌نگار ۲۰ درصد رشد را نشان می‌دهد. همین اتفاق کمابیش در عرصه فعالیت زنان ناشر، پدیدآورندگان کتاب، تولیدکنندگان سایتها و بلاگها و بویژه زنان کارگردان و فیلمساز مشهود است.

در حالی که ارزان بودن صنعت نشر و سیر محصولات رسانه‌ای در ایران فرصت دسترسی زنان استفاده‌کننده را بالا برده است، در کل میزان استفاده از رسانه‌ها در بین زنان پایین‌تر از مردان است.

در حالی که تقریباً پوشش تلویزیونی و رادیویی در همه نقاط کشور وجود داشته و در هرخانه‌ای حداقل یک رادیو و تلویزیون وجود دارد؛ اما هنوز

بهره‌مندی از اینترنت ICT از طریق تلفن بوده و همین موضوع، موجب کندی دسترسی زنان استفاده‌کننده از اینترنت است.

طرح مصرانه حق استفاده تمامی کشورها از تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی و از بین بردن فاصله دیجیتالی (digital divide) بین کشورهای توسعه یافته و روبه توسعه، به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع دسترسی زنان به اطلاعات بوده که ضمن تأکید بر آن، در کنفرانس جهانی WSIS؛ جادارد بار دیگر در مرور مجدد کار پایه پکن مورد توجه قرار گیرد.

۱۲- زنان و محیط زیست

راهبرد اصلی جمهوری اسلامی ایران در حفاظت از محیط زیست، راهبرد پیشگیری بر اساس تحقق توسعه پایدار است. سازمان حفاظت محیط زیست یک دستگاه نظارتی بوده و اجرای سیاستهای زیست محیطی به عهده وزراتخانه های ذی ربط است؛ بنابراین مشارکت مردم و ایجاد حساسیت اجتماعی در این زمینه؛ یکی از محورهای اساسی تحقق نقش نظارتی سازمان محیط زیست به حساب می آید.

مجموعه این همکاری و عمده ترین دستاورد دهه اخیر؛ که جامعه مدنی، همگام با دولت نقش مهمی در آن ایفا کرده است؛ ورود ارزشهای زیست محیطی و احیای بخشهای سنتی و تلفیق آن با روشهای نوین حفاظت از محیط زیست در سبک زندگی مردم بویژه زنان به عنوان مادران زمین است.

در بخش دولتی، ارتقای سهم زنان تصمیم‌گیر در بدنه مدیریتی کشور حائز اهمیت است؛ اما هنوز برنامه ریزی زیست محیطی و مکانیزمهای مدیریتی آن فاقد حساسیت جنسیتی است و به لزوم جاری سازی جنسیتی در این زمینه کمتر توجه شده است.

مدیریت مطلوب زیست محیطی به غیر از بخش کشاورزی، که توجه شایانی به سهم زنان کشاورز در تحقق توسعه پایدار دارد، هنوز با شاخصهای کار پایه پکن؛ بویژه در بخش صنعت فاصله زیادی دارد.

همچنین همکاری دولت و جامعه مدنی بویژه سازمانهای غیر دولتی در زمینه زیست بومها کمتر وارد سطوح اجرایی و اجتماعات محلی شده اند که دلیل آن بیشتر متوجه نوپا بودن جامعه مدنی در این حوزه است.

ظرفیت و استعداد بالقوه ایرانیان در حفاظت از محیط زیست به دلیل وجود عناصر سازنده ای همچون تاریخ، فرهنگ و اعتقادات، از یک سو و تحرک بخش دولتی و غیر دولتی و زنانه بودن حفاظت از محیط زیست از دیگر سو؛ افق فعال تر و روشن تری را برای آینده مشارکت زنان در محیط زیست ترسیم می کند. هر چند که رشد صنعت و نفت خیز بودن سرزمین ایران؛ ناامنیهای ناشی از جنگ در کشورهای همسایه و تاثیر آن بر اکو سیستمهای سرزمین؛ و نامتوازن بودن الگوهای اقتصادی از مخاطرات سالهای آینده است.

۱۳- دختر بچه ها

گرامیداشت حقوق و کرامت انسانی دختر بچه ها به منزله عزمی ملی در همه سیاست ها و برنامه ریزی های توسعه ایی کشور اعم از سلامت و بهداشت دختران، تعلیم و تربیت و آموزش عالی، اشتغال و... مورد توجه قرار گرفته است. براین اساس جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ کنوانسیون حقوق کودک را مشروط براینکه با موازین اسلامی و قوانین ایران در تضاد نباشند، امضا کرده است. دختران مانند پسران در ایران هویت و شخصیت دارند و در آموزش و تحصیلات عالی پیشی گرفته اند. در ازدواج نیز با حضور پدر عقد ازدواج جاری

می‌شود. در بخش بهداشت و درمان ضمن اینکه در خدمات رسانی بیشتر از مردان مشارکت دارند، از خدمات بهداشت و درمان و بهداشت و باروری هم بیشتر استفاده می‌کنند و در کار، بیشتر از مردان حمایت می‌شوند.

بنابراین هرچند در گذشته ارجحیت جنسی به نفع پسر در برخی از مناطق از بافت روستایی که معیشت کشاورزی داشتند، وجود داشت؛ اما در مقطع کنونی گرایش خانواده‌ها به فرزند دختر کمتر از پسر نیست و ارجحیت جنسی بشدت و بویژه در مناطق شهری کاهش پیدا کرده است.

ارتقای سطح آموزش دختران نسبت به پسران در ایران بسیار افزون‌تر از شاخص‌های مورد نظر سند کارپایه پکن و MDG است؛ مع الوصف چالش جدی جامعه امروز ایران، پاسخگویی شایسته به مطالبات دخترانی است که چه از نظر اندیشه و چه از نظر استقبال از تغییر نقشها و کنشهای اجتماعی پیشی گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

آنچه در پایان باید متذکر شویم، که همه اشکالات، تعارضات، غفلتها و خلاها در دوازده محور نگران کننده بود که بصورت گزارش از جمهوری اسلامی ایران ارایه شده است و آنچه تامل برانگیز تر است اصل نگرانیهای فراموش شده ای است که اساساً «در جمع نگرانیهای مطرح در سند پکن به حساب نیامده و مطرح نشده‌اند.» نگرانی‌هایی همچون صیانت از عفاف و خویشتن داری، حفظ منزلت و کرامت و حیثیت انسانی زن، قبول حق متفاوت بودن زنان، حفظ کیان خانواده، توجه جدی به نقشهای اساسی مادری و همسری و حفظ حرمت و پاکی کودکان به عنوان حقوق انسانی آنها از جمله حقوق فراموش شده ای است که در سند پکن مورد غفلت قرار گرفته است و نکته دیگر آنکه جهان امروز نیازمند یک

راهبرد حقیقی و واقعی است. حقیقی از آن نظر که با فطرت انسان، عقل سلیم همسو و منطبق باشد و در نهایت به رشد آدمی و جامعه‌ای که او در آن زندگی می‌کند منجر شود؛ و واقعی از آن نظر که باید هر ایده‌ای نه درخلاً که در متن یک جامعه با ویژگیهای عصری، تاریخی و تمدنی که دارد اجرا شود. پس باید آرزوداشت و آرزو را با تلاش و بصیرت به برنامه عملی تبدیل کرد تا در آینده‌ای نه چندان دور، با درک صحیح از موقعیت زنان، از ظلمها و اجحافها که به آنان می‌شود، از اشکالات درون سیستمها و نظامها و از مشکلاتی که بر سر راه زنان قرار دارد و از همه منشورهای جهانی رفع کلیه اشکال ظلم علیه زنان جلوتر بود.

اگر نه در همه جهان که زمینه‌های نظری و اعتقادی آن کم‌تر فراهم است، لاقلاً در کشورهای اسلامی و در جهان اسلام، منشور جهانی رفع کلیه اشکال ظلم علیه زنان تدوین و تصویب گردد تا چنین منشوری که برخاسته از آموزه‌های مترقی دین اسلام است، زمینه فراگیری و گسترش عدالت چنان فراهم شود که ظلم در حد اخم هر نابینا، بر زنان و جامعه زنان نرود (و به تعبیر زیبای امام علی (ع) مدیریت و رهبری و اداره جامعه بدانجا باید منجر شود که از «نمله» یعنی حق یک مورچه چه مادی که پوسته چوبی است؛ از او به بهانه بیشترین ضرورتها و یا منافع گرفته نشود. اگر رفع ظلم بعنوان محور نظرو عمل در حوزه زنان در نظر گرفته شود. پاسخ آن تحقق عدالت است. اما مع الاسف در جهان امروز به جهت بریدگی از بنیادهای حقیقت، که در بطن ادیان آسمانی تحریف نشده است، مشکل اصلی زنان را «وجود تبعیض» می‌دانند؛ برای این شناخت غلط پاسخ «تساوی» داده شده است که نتایج غلط به بار می‌آورد و وضعیت اسفبار زنان در جهان، حکایت از تشخیص غلط و به نسخ آن نسخه‌ها راهکارهای غلط ارایه می‌کند.

در پایان آنچه مجدداً لازم به یادآوری است، بیان این نکته مبنایی است که پیشرفت زنان آن هم به معنی تعطیلی ظلم نه تغییر ظلم! حاصل نمی شود مگر آنکه بنیاد دیدگاه به موضوع زن، از مبنا درست شود، آنچه حجم حرمانها و مرارت‌های زنان را می‌سازد از این ناشی می‌شود که یا خواستند انسانیتش را نادیده بیانگارند و یا خواسته‌اند زن بودنش را نادیده بگیرند و بدون شک طرح نگاه حقیقت‌گرا و تدوین نسخه ای واقعیت‌نگر که بر مدار اعتدال، هم زن بودنش را ببینند و هم انسان بودنش را، تنها از مسیر وحی، ادیان ابراهیمی، و از مکتب مترقی و عدالت‌خواه اسلام ممکن می‌شود. پس لازم است با هدایت و حساسیت دستگاه‌های ملی در حوزه زنان و تدوین پیش نویس رفع ظلم علیه زنان کشور ما پیشقدم شود و با ارایه نظام جامع عدالت در حوزه زنان همه اشکال ظلم را رفع و در راه رسیدن به آن، زمینه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اجرایی آن را فراهم کند.

منابع فارسی

- ۱- از متن پیام دبیر کل در افتتاحیه کنفرانس، سند چهارمین کنفرانس، صفحه ۹
- ۲- همان منبع - صفحه ۱۰
- ۳- همان منبع - صفحه ۱۵
- ۴- روزنامه اطلاعات به تاریخ ۷۴/۵/۲۸
- ۵- سویزی، مهری، نقدی بر محورهای دوازده گانه سند پکن، کتاب زنان، زمستان ۱۳۸۴